

ره آورد یک سفر

۲

اگر بحث را به همینگونه روی مسائل صحی و حفظ الصحه محیطی ادامه بدهیم، میرسیم به مسائلی که مربوط به شهر داری کابل است.

محلات شیوع امراض قرار معلوم در همه نقاط جهان و نه تنها در شهر کابل همانا زمینه های تکثیر و عوامل انتقال دهنده انواع مختلفه امراض است.

این اصل در شهر کابل به کرات به مشاهده میرسد. مبارزه با کوه بزرگی از کثافات با شیوه های ابتدائی صورت می پذیرد و اکثراً کثافات بوسیله کراچیهای دستی به محل دیگری در عین سرک انتقال داده میشود که گویا بعد از چند ساعت محدود وسایل ترانسپورتی بزرگ انتقال آنها به انجام میرسانند؟! این امر ممکن است درست باشد ولی من اکثراً نتایجی را در بعضی از نقاط شهر مشاهده نتوانستم.

هدف من اینست که با این انتقال دو مرتبه بی نه تنها امر مثبتی به انجام نمیرسد، بلکه به تزئید زمینه های تکثیر هر چه بیشتر امراض محیطی کمک رسانی میشود.

آنچه من از دوستان خویش شنیدم و در بحثها جمعبندی نمودم به یاد ضرب المثل مشهور ما افتادم که میگویند "هم دزد خدا میگوید و هم صاحب خانه" بدین معنی که از کمبود و حتی نبود دستگاه های پروسس مواد فضله شهری، شهرداری شکایت دارد و دولتواره کابل و اعضای حکومت فعلی - صرفنظر از تعداد محدودی از نماینده گان حکومت - همه مصروف پر نمودن جیبهای شان هستند و همیشه داد میزنند که: "ما کشور های تمویل کننده نداریم و بودجه دولت نمیتواند چنین مصارف را بپردازد". ولی در برابر به تعداد بلند منزلهای زورمندان و تفنگسالاران که فیصدی ناچیز نفوس را گواهی میدهد، افزوده میشود و قاطبه مردم از تهیدستی، گرسنه گی و فقر محکوم به مرگ اند.

انکشاف شهر های افغانستان چنان در مسیر نامعقول رشد میکند که اصلاً در آینده اگر صلح هم تأمین شود، آنچه بنام زمینهای زراعتی - اعم از اراضی کشت غله جات، حبوبات و سبزیجات - بوده، وجود ندارد و یا اینکه ساحه آن چنان محدود گردیده که بگونه امروز - انکشاف برق آسای نفوس افغانستان - برای همیشه به کشور وارد کننده محصولات زراعتی مبدل گردد.

روکشهای پر زرق و برق از بیماریهای جامعه که همه روزه تشدید مییابد، بطور تصنعی میکاهد. زمانیکه ازین روکش های تصنعی صحبت میکنیم بهتر است بگوئیم که چراغان ساختن شهر کابل و بعضی از شهر های بزرگ مورد نظر ما نیست، بلکه آنچه در عقب این چراغانی قرار دارد همانا وابستگی دایمی افغانستان از کشور های همسایه، بخصوص آسیای میانه شوروی سابق میباشد که با فشار دادن دکمه یگانه شهر ها را به پرتگاه تاریکی مبدل میسازند.

در پهلوی این همه خیانتها، جهادیون افغانستان یکبار دیگر به حامیان پاکستانی شان نشان دادند که برای آنان منافع پاکستان والاتر از مقدسات ملی شان است که درین زمینه در بحثهای بعدی نیز مطالبی داریم. اگر زمینه های اعمار بندهای آبگردان غرض تولید انرژی برق در داخل کشور مهیا گردد، در آنصورت به ذخائر آب در پاکستان صدمه وارد آمده، کشاورزی به مضار مواجه شده و دستگاه های تولید برق آبی آنان بنابر نبود آب کافی در کاسه بند های آبگردان ور شکست خواهند شد.

پلانهای امپریالیزم جهانی در هماهنگی با دستیاران منطقوی اش، بالاخص رژیم دشمن منش پاکستان، در ابتداً صرفاً چور و چپاول مجاهدین نامگذاری میشود.

اکنون مشخص است که رهبران مجاهدین در همکاری نزدیک با سازمان توطئه گر آی.اس.آی پاکستان در به تاراج بردن همه ماشینها و دستگاه های تولیدی کشور که در طول سالهای متمادی از پول مردم تهیه و به بهره برداری سپرده شده بودند، نقش مستقیم داشتند و امروز از نبود مؤسسات تولیدی در داخل کشور ضجه و ناله سر میدهند و بیگانه گان را بخاطر بازسازی مجدد مسئول میدانند.

اگر دستگاه ها و تجهیزات معادن، فابریکات نساجی، سمنت، دواسازی، تولید انرژی برق، پروسس میوه، تأسیسات کوچک صنعتی و حتی ماشین های افزار سازی انفرادی به تاراج برده نمیشد و به قیمت فلز کهنه و مواد خام باز تولید بفروش نمی رسید، در آنصورت تولید راه خود را با وجود عقبمانده گی تحمیلی میپیمود و در آنصورت کشور افغانها مجبور نبود به این پیمانہ مال التجاره و مواد ساختمانی بدون کیفیت را از کشور پاکستان - که در هیچ کشور دیگری بازار یافته نمیتواند - وارد و مصرف کند.

ادامه دارد